

ظهور عوامل غیردولتی تروریستی:

تعهدات بین‌المللی و چالش نظارت بر سلاح‌های کشتار جمعی

دکتر محمود جلالی**

فرزانه پورسعید*

چکیده

در دهه‌های اخیر ماهیت و طیف امنیت بین‌المللی در پرتو ظهور عوامل غیردولتی تروریستی و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی متحول شده است؛ به گونه‌ای که دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی تبدیل به یک تهدید جدی برای جامعه بین‌المللی شده است. نظر به آنکه چنین تهدیدی در اسناد بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار جمعی مورد توجه قرار نگرفته است، به تدریج جامعه بین‌المللی تدابیر خاصی را برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی اتخاذ کرده است. پرسش اصلی این است که آیا تلاش‌های بین‌المللی موجب رفع کامل چالش‌های نظارتی در خصوص این‌گونه عوامل غیردولتی شده است؟ این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی چالش‌های نظارتی در پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که رفع کامل این چالش‌ها، مستلزم راهکارهایی همچون جهان‌شمول‌سازی تعهدات بین‌المللی، هماهنگی و همکاری کامل میان دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و مدیران صنایع مربوطه در استانداردسازی حفاظت از سلاح‌های کشتار جمعی، مواد اولیه و تأسیسات آن‌ها است. در نهایت به عنوان یک راهکار اساسی، پذیرش یک کنوانسیون بین‌المللی خاص و جامع برای منع دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: اسناد بین‌المللی، سلاح‌های کشتار جمعی، عوامل غیردولتی تروریستی، نهادهای نظارتی.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
f.poorsaid@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
m.jalali@ase.ui.ac.ir

مقدمه

در حقوق بین‌الملل اصطلاح عوامل غیردولتی طیف وسیعی از کنشگران را در سطح بین‌المللی، از سازمان‌های غیردولتی^۱ گرفته تا شرکت‌های چندملیتی^۲ در بر می‌گیرد. به هر حال در دهه‌های اخیر بازیگران جدیدی در قالب عوامل غیردولتی در جامعه بین‌المللی شکل گرفته‌اند که اهداف تروریستی را دنبال کرده‌اند. این گونه عوامل غیردولتی تروریستی^۳ یا عوامل غیردولتی خشونت‌گرا به طور غالب به افراد یا سازمان‌هایی اطلاق می‌شوند که دارای انگیزه سیاسی بوده و وابستگی به هیچ کشور یا دولت خاصی ندارند (Hofmann and Schneckene, 2011:2-3)، هرچند ممکن است از سوی دولت‌های خاصی مورد حمایت قرار گیرند. از نمونه‌های بارز این عوامل غیردولتی تروریستی می‌توان به طالبان و داعش اشاره کرد. در همین راستا نیز قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد «عامل غیردولتی» را به عنوان «هر فرد یا نهادی» تعریف می‌کند که «در اجرای فعالیت‌هایی که در حوزه این قطعنامه قرار می‌گیرد، تحت اقتدار قانونی دولتی نیست»^۴.

امروزه مباحث مربوط به سلاح‌های کشتارجمعی^۵ با تهدیدات ناشی از دسترسی عوامل غیردولتی به آن‌ها ترکیب شده و خوانش نوینی از تکالیف را در نظام حقوق بین‌الملل منع سلاح‌های کشتارجمعی موجب شده است؛ به گونه‌ای که امروزه در کنار دولت‌ها افراد و جوامع مدنی از تکالیفی برخوردار شده‌اند. در همین راستا برای نمونه، قابل ذکر است که در «کنفرانس جهانی نقش صنایع در منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی و اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد»^۶

-
1. Non governmental Organizations
 2. Multinational Corporations
 3. Terrorist Non-State Actors
 4. Non-State actor: individual or entity, not acting under the lawful authority of any State in conducting activities which come within the scope of this resolution.
 5. در این مقاله منظور از سلاح‌های کشتارجمعی به طور غالب سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی است.
 6. India - Wiesbaden conference calls for enhanced cooperation with industry in combating proliferation of WMD, 23 April 2018, pp.1-7.

موسوم به «پروسه وایسبدن»^۱، بر نقش مدیران صنایع در راستای منع دسترسی عوامل غیردولتی به مواد مربوطه تأکید شده است. همچنین در سند کردار نامه دانشمندان متخصص در زمینه عوامل بیولوژیک^۲ که با هدف تنظیم مقررات اخلاق زیستی تدوین شده است، بر نقش این دانشمندان در منع استفاده از دانش و فناوری زیستی در تولید و توسعه سلاح‌های بیولوژیک تأکید شده است (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

به این ترتیب، اگرچه همچنان مخاطب اصلی مبارزه با تروریسم و عدم دسترسی عوامل خشونت‌گرا و سازمان‌یافته به سلاح‌های کشتارجمعی همچنان دولت‌ها هستند، تحقق کامل اهداف نظارت بر عدم دسترسی عوامل غیردولتی به این‌گونه سلاح‌ها، نیازمند اجرای تعهدات مربوطه از سوی افراد و صنایع نیز است، زیرا تهدید دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی امروزه حتی گستره‌تر شده و مخاطبین تعهدات بین‌المللی را دگرگون ساخته است. در شرایطی که با وجود تلاش‌های قابل توجه جامعه جهانی برای دستیابی به جهانی عاری از سلاح‌های کشتارجمعی، هنوز میزان قابل توجهی از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک وجود دارند، رفع چالش‌های نظارتی موجود در اطمینان از عدم دسترسی عوامل تروریستی غیردولتی یکی از اقدام‌های مهم در رفع چنین تهدیدهایی از سوی عوامل تروریستی غیردولتی است. بدیهی است که برای رفع چنین تهدیدهایی، این نظارت بایستی جامع بوده و علاوه بر دولت‌ها همه نهادها و اشخاصی را در برگیرد که به نوعی با مواد و تجهیزات مرتبط با ساخت این تسلیحات در ارتباط هستند.

در راستای منع عوامل غیردولتی در دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی جامعه جهانی اسناد نسبتاً گسترده‌ای را در قالب اسناد الزام‌آور یا غیر الزام‌آور، همچون معاهدات بین‌المللی، توصیه‌ها، قطعنامه‌ها و طرح‌های ابتکاری مورد پذیرش قرار داده است. اما سوال این است که با توجه به فضای امنیتی موجود در جامعه بین‌المللی آیا

1. Wiesbaden Process.

2. A Code of Conduct for Biological Scientists.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه برای نمونه بنگرید به: Johnson, 2006, pp. 45-47.

ابزارهای نظارتی در این زمینه کافی هستند؟ با تعمق در ادبیات مربوط به موضوع مقاله هدف، بررسی قابلیت اسناد موجود در مواجهه با تهدیدهای ناشی از امکان دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به تسلیحات کشتار جمعی است. در این راستا، به طور ویژه چالش‌های موجود در زمینه نظارت بر اجرای تعهدات مبتنی بر منع دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به این تسلیحات محور اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد، مسئله‌ای که در ادبیات حقوقی موجود کمتر به آن توجه شده است. برای این منظور، ابتدا گستره تهدیدهای موجود ناشی از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی بررسی می‌شود. در قسمت بعد، اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوطه و تعهدات دولت‌ها در این زمینه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. سپس چالش‌ها و خلاءهای موجود در حقوق بین‌الملل در مورد دسترسی عوامل مذکور به این سلاح‌ها در قسمت سوم مقاله بحث خواهد شد. قبل از نتیجه‌گیری، راهکار پیشنهادی مقاله که طراحی و تصویب کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه است، ارائه می‌شود.

۱. گستره تهدیدهای دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی

زیستن در عصر موسوم به انقلاب صنعتی چهارم^۱، جامعه جهانی را با چالش‌های

1. 4th Industrial Revolution

انقلاب صنعتی چهارم، به چهارمین دوره تحول بنیادین در عرصه دانش و صنعت اطلاق می‌شود که از جمله تحول بنیادینی را در دنیای دیجیتال به وجود آورده است. انقلاب صنعتی اول از سال ۱۷۶۵ میلادی و به طور ویژه با اختراع موتور بخار آغاز شد و تحولی را در مکانیزه کردن تولیدات ایجاد کرد. انقلاب صنعتی دوم، از سال ۱۸۷۰ میلادی با استفاده از منابع انرژی جدید یعنی برق، گاز و نفت آغاز شد که زمینه را برای پیشرفت‌ها در فناوری‌های جدید به وجود آورد. انقلاب صنعتی سوم هم از سال ۱۹۶۹ میلادی و با ظهور انرژی هسته‌ای و فناوری‌های جدیدی همچون الکترونیک، فناوری اطلاعات و ظهور نسل‌های جدیدی از رایانه‌ها شکل گرفت. همان‌گونه که R.O. Marchesi سفیر و نماینده دائمی اسپانیا در سازمان ملل متحد و رئیس وقت کمیته ۱۵۴۰ (۲۰۱۶-۲۰۱۵ میلادی) بیان می‌کند در چنین شرایطی (در دوره انقلاب صنعتی چهارم) عوامل غیردولتی می‌توانند از راه‌های گوناگون تهدیدهای خود را عملی سازند. برای نمونه، آن‌ها ممکن است از طریق حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای که دانش فنی کمتری را در مقایسه با تولید یک سلاح کشتار جمعی نیاز دارد، آسیب‌های جدی را وارد کنند.

عمده‌ای همچون ظهور عوامل غیردولتی و تهدیدهای امنیتی آن‌ها در دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی مواجه کرده است. فرآیند جهانی‌سازی و سرعت فزاینده پیشرفت فناوری، توجه ویژه‌ای به ماهیت و گستره تهدیدات عوامل غیردولتی در زمینه دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی را ایجاب می‌کند. در همین راستا، بان کی مون^۱ دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در سخنرانی خود در ۲۳ اوت ۲۰۱۶ به تلاش عوامل غیردولتی برای دستیابی به سلاح‌های شیمیایی، بیولوژیک و هسته‌ای اشاره کرده و تأکید می‌کند که ماهیت و گستره این تهدیدات در حال تغییر است (Ki-Moon, 2016:1).

امروزه افزایش عملیات تروریستی در سطح جهان به یک معضل و نگرانی در سطح بین‌المللی مبدل شده و استفاده عوامل غیردولتی تروریستی از برخی سلاح‌های کشتارجمعی آسیب‌های غیر قابل جبرانی را برای امنیت جهانی به همراه داشته است، به گونه‌ای که در وضعیت موجود استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی از سطح ملی کشورها فراتر رفته و ماهیتی بین‌المللی پیدا کرده است (رستمی، ۱۳۹۵: ۷۱-۷۰)؛ به عبارت دیگر، اگرچه پیش از این چنین تهدیداتی محدود به برخی کشورها یا مناطق خاصی از جهان بوده است، این‌گونه تهدیدها دیگر ماهیتی ملی یا منطقه‌ای نداشته و می‌توانند خطر جدی را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وجود آورند.

در جهان معاصر، هرچند دولت‌های بسیاری مبادرت به تولید سلاح‌های کشتارجمعی کرده‌اند، اندکی از آن‌ها اقدام به استفاده از این تسلیحات کرده‌اند. این در حالی است که استفاده قابل توجهی از تسلیحات کشتارجمعی در قالب سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک از سوی عوامل غیردولتی و به‌ویژه گروه‌های تروریستی انجام گرفته‌اند.^۲ گستره تهدیدات عوامل غیردولتی با اهداف تروریستی علاوه بر تولید،

1. Bon Ki-Moon

۲. نمونه‌های بارز این استفاده، به کارگیری تسلیحات شیمیایی از سوی گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق است. در خصوص این‌گونه استفاده‌ها از تسلیحات کشتارجمعی در سوریه بنگرید به: (Trapp, 2017: 363-375).

دستیابی و یا به‌کارگیری سلاح‌های کشتارجمعی^۱ اقداماتی همچون اختلال در تأسیسات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک، حملات سایبری به این تأسیسات و آلوده کردن چرخه تولید مواد خوراکی و دارویی را در بر می‌گیرد.^۲

برخی بر این باورند که عدم توانایی فنی و عدم اطمینان از دستیابی به اهداف به طور کامل از جمله موانعی هستند که عوامل غیردولتی را از اجرای حملات تروریستی با استفاده از سلاح‌های کشتارجمعی باز داشته‌اند. به هر حال قرائن و شواهد موجود نشان می‌دهند که این موانع در حال کم‌رنگ شدن هستند (سرمست، ۱۳۸۸: ۲۱۵) و بنابراین عوامل غیردولتی ممکن است در صورت دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی بدون درنگ و تأمل از این سلاح‌ها برای اهداف تروریستی خود استفاده می‌کنند.

در زمینه دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های هسته‌ای، به نظر می‌رسد که به دلیل پیچیدگی فرایند تولید اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا^۳، این عوامل ممکن است از طریق راه‌هایی مانند سرقت یا بهره‌گیری از دانش دانشمندان و یا در اختیار گرفتن تأسیسات هسته‌ای بتوانند به اورانیوم غنی‌شده در سطح بالا دست یابند. همچنین این عوامل می‌توانند با دسترسی به زباله‌های هسته‌ای^۴ موجود در تأسیسات هسته‌ای اورانیوم غنی‌شده در سطح پایین را با پردازش مجدد قابل استفاده برای تولید تسلیحات هسته‌ای کرده و یا مواد هسته‌ای را از طریق بازار سیاه تهیه کنند. به هر حال این احتمالات ضرورت حفاظت از دانشمندان هسته‌ای، مواد و تأسیسات هسته‌ای را دوچندان می‌کند. با وجود بهبود امنیت کلی تأسیسات هسته‌ای در سنوات گذشته، مرکز

۱. برای نمونه در خصوص توانایی داعش در تولید سلاح‌های شیمیایی بنگرید به: (Strack, 2017: 19-23).
 ۲. همچنین طبق نظر برخی تحلیل‌گران، در مقایسه با دولت‌ها احتمال بیشتری وجود دارد که گروه‌های تروریستی از سلاح‌های کشتارجمعی استفاده کرده و گسترش و توسعه فناوری‌های مربوط به مواد مؤثر در تولید سلاح‌های کشتارجمعی می‌تواند قابلیت‌های عوامل غیردولتی از جمله گروه‌های تروریستی را در دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی افزایش دهد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: (Caves, and Seth Carus, 2014).

3. Highly Enriched Uranium
 4. Nuclear Wastes

داده‌ها و اطلاعات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ اعلام کرده است که بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۳ میلادی ۱۰۸۸ گزارش در زمینه سرقت، ناپدیدشدن و یا قاچاق مواد هسته‌ای به ثبت رسیده است^۲ (Ewiss, 2016:4). از سویی دیگر، یکی از ظرفیت‌های فراروی عوامل غیردولتی تروریستی ایجاد اختلال در سیستم‌های پیش‌اعلامی^۳ است. این ظرفیت گزینه مطلوب‌تری برای تروریست‌ها و عوامل غیردولتی نسبت به تولید یا اکتساب سلاح‌های هسته‌ای است (Sokova, 2017: 89). همچنین حملات تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵ میلادی این ذهنیت را به وجود آورد که عوامل تروریستی ممکن است حتی برای عملیات تروریستی خود به منابع رادیواکتیو دسترسی داشته باشند و از این توانایی برخوردار باشند که حملاتی را به تأسیسات هسته‌ای صورت دهند (Ballesteros, 2016:9).

در خصوص سلاح‌های شیمیایی، اطلاعات موجود نشانگر آن است که گروه‌های تروریستی پیش‌تر به این سلاح‌ها دست یافته و آن‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند. حتی پیش از آنکه گروه‌های تروریستی القاعده و دولت اسلامی عراق و شام (موسوم به داعش) از سلاح‌های شیمیایی استفاده کنند. برای نمونه، در سال ۱۹۹۵ میلادی گروه

1. The United Nations International Atomic Energy Agency's Incident and Trafficking Databases

۲. در وضعیت فعلی، هشت کشور چین، فرانسه، هندوستان، اسرائیل، پاکستان، روسیه ایالات متحده امریکا و بریتانیا واجد سلاح هسته‌ای بوده و کره شمالی نیز در حال دسترسی به این سلاح‌ها است. این کشورها بایستی اقدام‌های لازم را برای حفاظت از دانشمندان هسته‌ای، مواد و تأسیسات هسته‌ای خود در قبال عوامل غیردولتی تروریستی اتخاذ کنند. تا جایی که به حفاظت از مواد هسته‌ای مربوط می‌شود، مبنای الزام به اتخاذ چنین اقدامات حفاظتی را مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و اصلاحیه ۲۰۰۵ آن تشکیل می‌دهد. نگاهی به دولت‌های عضو این کنوانسیون و اصلاحیه ۲۰۰۵ میلادی آن نشان می‌دهد که در میان این نه کشور، کره شمالی به کنوانسیون مزبور و اصلاحیه ۲۰۰۵ و کشور چین به اصلاحیه ۲۰۰۵ نپیوسته‌اند. در ضمن، بر اساس تعهد بنیادینی که همه کشورها به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارند، همه این کشورها از جمله کره شمالی، همچون سایر کشورهایی که فعالیت هسته‌ای دارند ملزم هستند تا از طریق اقدام‌های حفاظتی از هرگونه دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به دانش، مواد و تأسیسات هسته‌ای خودداری به عمل آورند.

3. Early Warning Systems.

موسوم به ایوم شینریکیو^۱، بسته‌های گاز سارین را در شبکه قطار توکیو رها کرده و موجب مرگ ۱۳ تن و مجروح شدن ۶۰۰۰ نفر شد. دسترسی عوامل غیردولتی به تسلیحات شیمیایی در خصوص برخی از عوامل شیمیایی از قبیل کلرین یا فسفر به جهت وفور آن‌ها سهل بوده و وابسته به مهارت خاصی جهت تبدیل آن‌ها به سلاح‌های شیمیایی نیست. در مورد سایر عوامل نیز پیچیدگی تولید با عنایت به گستره وسیع اطلاعات توأم با اکتساب توانایی‌های علمی از سوی گروه‌های تروریستی سهل‌تر از پیش شده است، چنانکه در سنوات اخیر مقام‌های امریکایی استفاده گاز خردل را توسط داعش در سوریه و عراق مورد تأیید قرار داده‌اند، اگرچه چگونگی اکتساب این عوامل اعم از تولید مستقیم یا سرقت آن احراز نشده است^۲ (Gousi, 2017:8).

سلاح‌های بیولوژیک از سهل‌الوصول‌ترین سلاح‌های تروریستی است. این سهولت از جمله مرهون انتقال اطلاعات از طریق اینترنت و آموزش‌های گسترده علوم بیولوژیک در دانشگاه‌ها است. این سلاح‌ها علاوه بر هزینه کم، تأثیر روحی و روانی قوی داشته و از این حیث تروریست‌ها را به استفاده از آن‌ها ترغیب می‌کند.^۳ یکی از نمونه‌های استفاده از این سلاح‌ها در دوران معاصر در آمریکا و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی رخ داد؛ زمانی که نامه‌هایی حاوی ویروس سیاه‌زخم توزیع شدند که در نتیجه آن ۵ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۷ نفر هم بیمار شدند (Gousi, 2017:10).

1. Aum Shinrikyo.

۲. در حال حاضر ایالات متحده آمریکا و روسیه واجد بیشترین و خطرناک‌ترین ذخایر سلاح‌های شیمیایی بوده و برآوردها نشان می‌دهند که چین، کره شمالی، مصر و اسرائیل نیز دارای سلاح‌های شیمیایی هستند.

۳. امروزه کشورهایی همچون کانادا، چین، کوبا، فرانسه، آلمان، عراق، اسرائیل، ژاپن، لیبی، کره شمالی، روسیه، آفریقای جنوبی، سوریه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا و تایوان دارای برنامه تولید سلاح‌های بیولوژیک بوده یا مظنون به داشتن این سلاح‌ها هستند.

۲. تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به

سلاح‌های کشتارجمعی

در نیم قرن اخیر کوشش‌های بین‌المللی در راستای محدودسازی سلاح‌های کشتارجمعی که در قالب پذیرش معاهدات و سایر اسناد بین‌المللی انعکاس پیدا کرده، سرعت فزاینده‌ای داشته است. با ظهور تهدیدات نوینی همچون امکان دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی و عدم اشاره مستقیم اسناد و معاهدات اصلی منع سلاح‌های کشتارجمعی به آن، تدوین و تصویب معاهدات و اسناد بین‌المللی جدیدی جهت پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی ضرورت پیدا کرده است. در کنار معاهدات اصلی منع سلاح‌های کشتارجمعی که برای داشتن جهانی عاری از سلاح‌های کشتارجمعی تعهداتی را برای دولت‌های عضو در نظر می‌گیرند، اقدام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پذیرش کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد در پذیرش قطعنامه ۱۵۴۰ رویکردهای مهمی در راستای عدم دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های هسته‌ای به طور خاص و سلاح‌های کشتارجمعی به طور کلی محسوب می‌شوند.

۱-۲. معاهدات بین‌المللی منع سلاح‌های کشتارجمعی و تعهدات دولت‌ها در

راستای تهدیدات عوامل غیردولتی

معاهدات بین‌المللی چندجانبه منع سلاح‌های کشتارجمعی به طور معمول طراحی شده‌اند تا تعهداتی را برای بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل، یعنی دولت‌ها، تعریف کنند (Asal, 2005: 133). در این معاهدات عوامل غیردولتی به طور مستقیم مورد خطاب قرار نگرفته‌اند. هرچند در این معاهدات به طور خاص تعهداتی برای دولت‌ها در قبال منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی تعریف نشده است، این تعهدات می‌توانند برای دولت‌ها در قالب الزام آن‌ها به اطمینان از عدم انجام فعالیت‌های منع

- شده در هر سرزمین یا هر مکان تحت صلاحیت آن‌ها تعریف شوند.
- عمده‌ترین معاهدات منع سلاح‌های کشتار جمعی عبارت‌اند از:
- الف. معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)^۱؛
- ب. معاهده ۲۰۱۷ منع سلاح‌های هسته‌ای^۲؛
- ج. کنوانسیون ۱۹۷۲ منع توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های باکتریولوژیک و نابودی آن‌ها^۳ و
- د. کنوانسیون ۱۹۹۳ منع توسعه، تولید، ذخیره‌سازی و نابودی سلاح‌های شیمیایی^۴.

۱-۱-۲. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۵ (NPT):

این سند، مهم‌ترین سند در زمینه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که از سال ۱۹۷۰ میلادی لازم‌الاجرا شده است. این معاهده تضمین‌کننده پیشگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و هدف غایی آن خلع سلاح هسته‌ای است. پیشگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب تعهدات دول هسته‌ای مندرج در ماده یک مبنی بر عدم انتقال سلاح‌های هسته‌ای و عدم مساعدت به دول دیگر برای دستیابی به آن‌ها و تعهدات دول غیرهسته‌ای مندرج در ماده ۲ مبنی بر عدم تلاش برای دستیابی به این سلاح‌ها تبلور پیدا کرده است.

هرچند می‌توان استدلال کرد که این تعهدات تعریف شده برای دول عضو می‌توانند نسبت به عوامل غیردولتی، حداقل به طور غیرمستقیم قابل تسری باشند، با

1. Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons (NPT), 1 July 1968.
 2. Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons, 20 September 2017.
 3. Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological Weapons and on Their Destruction, 10 April 1972
 4. Convention on the prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, 13 January 1993.
 5. در حال حاضر ۱۹۱ دولت عضو معاهده NPT هستند. اسرائیل، پاکستان و هندوستان از دول هسته‌ای غیر عضو آن به شمار می‌روند. کره شمالی نیز در سال ۲۰۰۳ میلادی از معاهده مزبور خارج شده و آزمایش‌های هسته‌ای را در راستای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای انجام داده است.

- این وجود معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در زمینه تهدیدات عوامل غیردولتی، خلأها و نواقص ذیل را در چارچوب تعهدات دولت‌های عضو در بردارد:
- الف. عدم پیش‌بینی حفاظت از تأسیسات هسته‌ای موجود؛
 - ب. عدم پیش‌بینی حفاظت از مواد حساس در صنایع مربوط؛
 - ج. عدم تعریف و پیش‌بینی فهرست مواد هسته‌ای با کاربرد دوگانه و نظارت بر انتقال آن‌ها؛
 - د. عدم تعریف و پیش‌بینی تکلیف دول عضو در منع افشای اطلاعات محرمانه و مخاطره‌ساز در حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای یا امنیت ملی و
 - ه. عدم پیش‌بینی برنامه‌ای مشخص برای نابودی سلاح‌های هسته‌ای دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای.

ابهام‌ها و خلأهای نظارتی فوق و ضرورت روزآمدسازی و پاسخ‌دهی به تهدیدات امنیتی جدید ناشی از عوامل غیردولتی، منجر به توسعه نقش نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است. این نهاد نظارتی بر اساس ماده سوم معاهده NPT و در راستای اجرای موافقت‌نامه‌های پادمان و پروتکل‌های الحاقی^۱ و هم در چهارچوب کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۸۰ و کنوانسیون سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای ۲۰۰۵ تدابیری اتخاذ کرده است^۲ که بر منع دسترسی عوامل غیردولتی به

۱. بر اساس موافقت‌نامه پادمان که میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت‌های عضو منعقد می‌شود، بازرسان آژانس می‌توانند از تأسیساتی که از سوی دولت‌ها اعلام می‌شوند بازدید به عمل آورده و گزارش تهیه کنند. به دلیل نقص‌های موافقت‌نامه پادمان در زمینه بازرسی جامع و به‌ویژه محدود بودن بازرسی‌ها به تأسیسات اعلام شده از سوی دولت‌ها، پروتکل الحاقی در سال ۱۹۹۷ از سوی هیئت حاکمه آژانس پذیرفته شد تا این امکان برای بازرسان آژانس فراهم شود تا از هر تأسیساتی، چه اعلام شده و چه اعلام نشده، بازدید به عمل آورده و گزارش تهیه کنند. برای توضیحات بیشتر راجع به موافقت‌نامه‌های پادمان و پروتکل‌های الحاقی بنگرید به: طلایی، ۱۳۹۴.

۲. از جمله این تدابیر می‌توان به پذیرش مجموعه اسنادی اشاره کرد که در خصوص اتخاذ اقدام‌های کافی در زمینه پیشگیری از تبدیل نامطلوب مواد هسته‌ای و پیشگیری از حملات خصمانه بر ضد تأسیسات هسته‌ای، اصول راهنمایی را برای دولت‌ها در بردارند. یکی از برجسته‌ترین اسناد در این مجموعه سند INFCIRC/225 تصویب شده از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سپتامبر ۱۹۷۵ میلادی است که توصیه‌های اداری و فنی را

سلاح‌های هسته‌ای تأثیرگذار بوده‌اند.

۲-۱-۲. معاهده ممنوعیت تسلیحات هسته‌ای ۲۰۱۷

نخستین توافقنامه بین‌المللی الزام‌آوری است که در راستای خلع سلاح کامل هسته‌ای در مورخ ۷ ژوئیه ۲۰۱۷ انعقاد یافته است و لازم‌الاجرا شدن آن موکول به امضا و تصویب حداقل پنجاه کشور است و تاکنون محقق نشده است.^۱ معاهده مزبور خلع کامل سلاح‌های هسته‌ای را هدف غایی قلمداد کرده و در این خصوص الزام به تضمین‌های پادمان و پروتکل الحاقی و همچنین تکلیف به محو و نابودی تأسیسات هسته‌ای و یا تبدیل آن‌ها را تأکید می‌کند. به این ترتیب، ریسک‌های کمتری را در زمینه دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های هسته‌ای در مقایسه با معاهده ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در بردارد.

۲-۱-۳. کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک ۱۹۷۲

این کنوانسیون، عمده‌ترین سند بین‌المللی در خصوص منع توسعه، تولید و ذخیره‌سازی و انتقال عوامل و سلاح‌های بیولوژیک و سمی است که از سال ۱۹۷۵ لازم‌الاجرا شده است.^۲ این کنوانسیون بر منع انتقال مواد بیولوژیک توسط عوامل غیردولتی تصریحی نداشته است. با این وجود، تعهد دول عضو مبنی بر عدم انتقال

در قبال اقدام‌های خرابکارانه نسبت به تأسیسات هسته‌ای ارائه می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر در خصوص این سند بنگرید به:

The Physical Protection of Nuclear Material, INFCIRC/225, International Vienna, Energy Agency, September 1975.

۱. تاکنون ۲۲ دولت به عضویت این معاهده درآمده‌اند. برای آگاهی از این دولت‌ها بنگرید به:

Signature/ratification status of the Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons.

۲. در حال حاضر ۱۸۰ دولت عضو این کنوانسیون بوده‌اند. هنوز برخی از دولت‌های امضاکننده کنوانسیون مشتمل بر تانزانیا، هائیتی، مصر، آفریقای مرکزی و سوریه آن را مورد تصویب قرار نداده‌اند. برخی از دولت‌های دیگر همچون اسرائیل تاکنون به آن ملحق نشده‌اند. آخرین عضو کنوانسیون فلسطین است که در مورخ ۹ ژانویه ۲۰۱۸ به آن پیوسته است.

تسلیحات بیولوژیک و سمی و عدم کمک و تشویق در تولید این گونه تسلیحات و یا واگذاری آن‌ها به سایر دول می‌تواند به نحوی غیرمستقیم به عوامل غیردولتی هم قابل تسری باشند.

۲-۱-۴. کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳

این کنوانسیون، مهم‌ترین سند بین‌المللی در ممنوعیت استفاده، تولید، توسعه و ذخیره و انتقال سلاح‌های شیمیایی است که در سال ۱۹۹۳ تصویب و در سال ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شده است.^۱ اگرچه در متن این کنوانسیون واژه تروریسم و عوامل غیردولتی صریحاً مورد استفاده قرار نگرفته است، از محتوای آن می‌توان برداشت کرد که ممنوعیت مندرج در این کنوانسیون جامع بوده و شامل منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های شیمیایی نیز می‌شود.^۲ به این ترتیب منع استفاده، توسعه، تولید، ذخیره‌سازی و انتقال سلاح‌های شیمیایی نسبت به همه اشخاص حقیقی و حقوقی در کنوانسیون سرایت یافته است اعم از آنکه وابستگی دولتی داشته باشد یا خیر.^۳ ماده ۷ کنوانسیون مزبور اقدام‌هایی را در راستای اجرای ملی از قبیل وضع قوانین کیفری در ارتباط با افعال منع شده از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی را به طور صریح برای دولت‌های عضو تکلیف کرده است. به این ترتیب، کشورهایی که نقش خویش را در اتخاذ اقدامات ضروری جهت اجرای داخلی و ملی کنوانسیون ایفا کرده‌اند تأثیر آن را بر منع فعالیت‌های عوامل غیردولتی مشاهده خواهند کرد.

۱. کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی دارای ۱۹۲ عضو است. سوریه در زمره آخرین دولت عضو است که در مورخ ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳ آن را تصویب کرده است. در حال حاضر اندکی از دولت‌ها همچون مصر، سودان جنوبی و کره شمالی هنوز به عضویت این کنوانسیون درنیامده‌اند.

۲. برای تحلیل نقاط قوت و ضعف کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی به عنوان نمونه بنگرید به: (طلایی و پور سعید، ۱۳۸۶).

۳. بند ۱ (قسمت الف) کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی مقرر می‌دارد که هر دولت عضو کنوانسیون متعهد می‌شود که تحت هیچ شرایطی سلاح‌های شیمیایی را به طور مستقیم و یا به طور غیرمستقیم به هرکسی انتقال ندهد. اشاره «به هرکسی» (anyone) اطلاق عام دارد و می‌تواند عوامل غیردولتی را در برگیرد.

نظام نظارتی سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در میان نظام‌های نظارتی خلع سلاح‌های کشتار جمعی منحصربه‌فرد است. چنانکه گستره تمهیدات نظارتی در آن از خوداظهاری مندرج در ماده ۳ کنوانسیون گرفته تا بازرسی اتهامی مبتنی بر ماده نهم کنوانسیون و راستی آزمایی مندرج در قسمت دهم ضمیمه کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی را در بر می‌گیرد.

به هر حال، وجود خلأها و کاستی‌های ذیل در کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی ریسک دستیابی عوامل غیردولتی به سلاح‌های شیمیایی را افزایش داده‌اند:^۱

الف. عدم جامعیت فهرست‌های مواد شیمیایی^۲؛

ب. پیچیدگی تشخیص فعالیت‌های غیرمجاز شیمیایی با توجه تعاریف کلی ارائه

شده در ماده ۲ کنوانسیون؛

ج. اجرای معیار هدف خصمانه در تبیین اعمال ممنوعه در نظام نظارتی منع

سلاح‌های شیمیایی.

۲-۲. کفایت یا نقصان معاهدات بین‌المللی در زمینه پیشگیری از دسترسی عوامل

غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی

هیچ‌یک از کنوانسیون‌های اصلی منع سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی به طور مستقیم قواعدی را در منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های مزبور در بر نداشته و تمامی تلاش‌ها برای گسترش تعهدات دولت‌های عضو به منع دسترسی این عوامل در قالب تعهدات اصلی و کلی دولت‌های عضو در راستای منع این سلاح‌ها بوده

۱. برای نمونه می‌توان به در این زمینه به تعریف کلی سلاح‌های شیمیایی اشاره کرد. بر طبق بند ۱-الف ماده دوم کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی، سلاح‌های شیمیایی به مواد شیمیایی سمی و پیش‌سازهای آنها، غیر از موادی که برای اهداف غیر ممنوعه به موجب کنوانسیون در نظر گرفته شده، اطلاق می‌شود.

۲. با توجه به ماهیت دوجوهی فناوری شیمیایی و تغییر کاربری آن از صلح‌آمیز به نظامی، فهرست‌های ارائه شده ممکن است از جامعیت لازم برخوردار نبوده و مواد شیمیایی در دسترس عوامل غیردولتی تروریستی قرار گرفته تا از آنها در تولید سلاح‌های شیمیایی استفاده کنند.

است.^۱ بر این اساس، در راستای رفع این نقیصه جامعه بین‌المللی به‌ویژه در دهه‌های اخیر درصدد بوده است تا اسناد بین‌المللی را مورد پذیرش قرار دهد که موضوع آن‌ها به طور مستقیم بر روی منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی معطوف بوده و آثار و نتایج آن‌ها در عمل بدان گونه باشند که هرگونه احتمال دسترسی این عوامل را به سلاح‌های مزبور از بین ببرد. در میان تلاش‌های صورت گرفته در پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی، این گونه کنوانسیون‌ها تاکنون به طور غالب در زمینه سلاح‌های هسته‌ای مورد پذیرش قرار گرفته که دو نمونه عمده آن‌ها عبارت‌اند از:

الف. کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای^۲،

ب. کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تروریسم هسته‌ای^۳.

۱. جامعه بین‌المللی در کنار تلاش برای پذیرش اسناد بین‌المللی در پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی کوشش کرده است که در خصوص مبارزه با تروریسم و فعالیت‌های تروریستی و غیرقانونی به طور کلی اسناد بین‌المللی را در حوزه‌های گوناگون مورد پذیرش قرار دهد که اسناد ذیل نمونه‌هایی از آن‌ها هستند:

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی

International Convention for the Suppression of Terrorist Bombings, New York, 15 December 1997.

کنوانسیون بین‌المللی سرکوب تأمین مالی تروریسم

International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, New York, 9 December 1999.

کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی برضد ایمنی کشتیرانی دریایی

The Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation (SUA), Rome, 10 March 1988

پروتکل ۲۰۰۵ کنوانسیون SUA در خصوص سرکوب اعمال غیرقانونی برضد ایمنی سکوهاى ثابت در فلات قاره

2005 Protocol for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms Located on the Continental Shelf

2. The Convention on the Physical Protection of Nuclear Material (CPPNM), 3 March 1980.

3. International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, New York, 13 April 2005.

۲-۲-۱. کنوانسیون راجع به حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای

نخستین معاهده بین‌المللی با موضوعیت پیشگیری و پیگرد قانونی جرائم مرتبط با دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی، کنوانسیون راجع به حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای است^۱ که با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۳ مارس ۱۹۸۰ در وین منعقد شد.^۲ هدف اصلی از این کنوانسیون حمایت و حفاظت از مواد و تأسیسات هسته‌ای مورد استفاده برای اهداف صلح‌آمیز و جلوگیری از تصرف غیرقانونی مواد هسته‌ای، استفاده غیرقانونی از آن‌ها و بازیابی مواد هسته‌ای در صورت تصرف غیرقانونی آن‌ها از راه‌هایی چون سرقت است. در همین راستا، از جمله مهم‌ترین تعهداتی که در چارچوب این کنوانسیون بر عهده دولت‌های عضو گذارده است عبارت‌اند از: الف. اتخاذ تدابیر مقتضی ملی برای حفاظت مواد هسته‌ای در قلمروهای خشکی، هوایی و دریایی دولت‌ها؛ ب. تضمین حفاظت از مواد هسته‌ای در جریان واردات و صادرات مواد هسته‌ای؛ ج. همکاری و مبادله اطلاعات در زمینه حفاظت از مواد هسته‌ای و حفاظت از اطلاعات محرمانه.

نقص عمده این کنوانسیون در عدم شمول تأسیسات هسته‌ای و ضرورت تقویت سازوکار حفاظت از مواد هسته‌ای در برابر اقداماتی همچون سرقت و قاچاق مواد هسته‌ای موجب شد تا اصلاحیه‌ای در سال ۲۰۰۵ میلادی به کنوانسیون مزبور وارد

۱. طبق این کنوانسیون دولت‌های عضو متعهد می‌شوند دسترسی غیرقانونی و تصرف، استفاده و انتقال غیرقانونی و یا سرقت مواد هسته‌ای و اعمال مربوطه دیگر را جرم‌سازی کرده و آن‌ها را قابل مجازات دانسته و مجازات مقتضی را برای آن‌ها در نظر گیرند. هر دولت عضو باید صلاحیت خود را نسبت به این جرایم تعریف کند و اگر چنین صلاحیتی ندارد باید مطابق با قاعده *aut dedere, aut judicare* مجرمین ادعا شده را برای محاکمه و مجازات به دولت دیگری مسترد کند که چنین صلاحیتی را تعریف کرده است.

۲. این کنوانسیون در ۸ فوریه ۱۹۸۷ میلادی لازم‌الاجرا شد. تا ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸ میلادی ۱۵۶ دولت و جامعه اروپایی انرژی اتمی عضو این کنوانسیون بوده‌اند. این دولت‌های عضو شامل ۵ دولت هسته‌ای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و دولت‌های هسته‌ای هندوستان، پاکستان و اسرائیل (که اعضای NPT نیستند) می‌شود. کره شمالی هنوز به این کنوانسیون نپیوسته است.

شود.^۱ در همین راستا، اصول بنیادینی که از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۱ میلادی پذیرفته شدند در این اصلاحیه گنجانده شدند (علی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰). از جمله این اصول بنیادین^۲ می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

- اصل مسئولیت دولت‌ها برای استقرار، اجرا و حفظ یک نظام حمایت فیزیکی برای مواد و تجهیزات هسته‌ای؛

- اصل مسئولیت دولت‌ها در طی انتقال مواد هسته‌ای به دولت‌های دیگر؛

- اصل استقرار و حفظ یک ساختار قانون‌گذاری و تنظیم مقررات از جمله در زمینه نظارت و صدور مجوزها و

- اصل استقرار یک نهاد صلاحیت‌دار برای اجرای قوانین و مقررات مربوطه.^۳

با وجود آثار مثبت این کنوانسیون و اصلاحیه آن در کاهش ریسک دسترسی عوامل غیردولتی به مواد هسته‌ای، این اسناد با چالش‌های عمده ذیل مواجه هستند که می‌توانند بر منع دسترسی عوامل غیردولتی به مواد هسته‌ای تأثیرگذار باشند:

الف. ارزیابی متفاوت دولت‌های عضو از تهدیدات امنیتی ذاتی ناشی از عوامل غیردولتی و اتخاذ اقدامات در سطوح متفاوت برای برخورد با این تهدیدات؛
ب. عدم امکان ارزیابی عینی و هدف‌دار به دلیل محرمانه بودن اقدامات اتخاذ شده برای تقویت امنیت فیزیکی؛

ج. عدم وجود حداقل استاندارد بین‌المللی لازم‌الاجرا از نظر حقوقی برای امنیت

1. Amendment to The Convention on the Physical Protection of Nuclear Material (CPPNM), 3 March 1980.

این اصلاحیه در ۸ ژوئیه ۲۰۰۵ میلادی پذیرفته شده و در ۸ مه ۲۰۱۶ میلادی لازم‌الاجرا شد. بر اساس بند ۱ این اصلاحیه عنوان کنوانسیون به «کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای و تجهیزات هسته‌ای» (The Convention on the Physical Protection of Nuclear Material and Nuclear Facilities) تغییر

پیدا کرد. تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۸ میلادی ۱۱۷ دولت و EURATOM به این اصلاحیه پیوسته‌اند.

Latest Status, Amendment to the Convention on the Physical Protection of Nuclear Material .pdf, pp.1-4.

2. Fundamental Principles

۳. برای آگاهی کامل از این اصول دوازده‌گانه به بند ۳ اصلاحیه کنوانسیون ۱۹۸۰ بنگرید.

فیزیکی و

د. عدم برخورداری برخی دول عضو از منابع مالی کافی برای تأمین امنیت فیزیکی مواد هسته‌ای و تأسیسات هسته‌ای (Steinhausler, 2009:2).

۲-۲-۲. کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای^۱

این کنوانسیون در ۱۳ آوریل ۲۰۰۵ میلادی پذیرفته شد. کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای بستری قانونی جهت همکاری بین‌المللی در منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های هسته‌ای است. این کنوانسیون به اقداماتی همچون تملک، استفاده یا تهدید به استفاده از تجهیزات رادیواکتیو توسط عوامل غیردولتی، هم‌دستان و سازمان دهندگان آنان در صورتی که درصدد ایجاد صدمات جانی، آسیب‌های جدی بدنی یا خسارات زیست‌محیطی یا مالی باشند جنبه کیفری می‌دهد^۲ و مبادله اطلاعات بیشتر در راستای پیگرد مظنونین به اقدامات تروریستی را ترغیب می‌کند. بدیهی است که تأثیرگذاری این کنوانسیون منوط به رعایت و اجرای مفاد مقررات آن توسط دول عضو بوده و کوتاهی دول عضو در ایفای تعهداتشان تهدید تروریسم هسته‌ای را افزون خواهد ساخت (جوینر، ۱۳۸۶: ۲۸۵-۲۸۶).

از جمله خلأهای کنوانسیون مزبور که تعهدات مندرج در آن را باوجود ضرورت ناکافی ساخته است عبارت‌اند از:

۱. این کنوانسیون در ۷ ژوئیه ۲۰۰۷ میلادی لازم‌الاجرا شد. تا ۵ ژوئن ۲۰۱۹ میلادی ۱۱۶ دولت عضو این کنوانسیون هستند. برای آگاهی از این دولت‌ها بنگرید به: *International Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism*.
۲. بر اساس ماده ۲، دامنه شمول کنوانسیون اقدام‌هایی همچون تصرف، استفاده، تهدید و دادوستد مواد یا وسایل رادیواکتیو توسط افراد را برای نیت مجرمانه دربرمی‌گیرد. بر اساس ماده ۵ کنوانسیون، دولت‌های عضو ملزم هستند تا این اقدام‌ها را به عنوان تخلفات کیفری در قوانین ملی‌شان تعریف کرده و مجازات مقتضی را برای آنها در نظر بگیرند. این کنوانسیون اصل *aut dedere, aut judicare* را در بردارد که بر اساس آن دولت عضوی که مجرم ادعا شده در سرزمین آن دولت قرار دارد باید وی را تحت پیگرد قانونی قرار دهد و یا وی را به دولت عضو دیگری استرداد کند که چنین صلاحیتی را تعریف کرده است.

الف. عدم شمول مقررات کنوانسیون به قضایای داخلی؛
ب. عدم شمول مقررات کنوانسیون به فعالیت‌های نیروهای مسلح در خلال
مخاصمات مسلحانه؛

ج. عدم ارائه نظام بازرسی کامل.
هرچند کنوانسیون‌های مزبور با چالش‌هایی مواجه هستند، اجرای دقیق و کامل این
اسناد می‌تواند تقویت‌کننده نظام موجود برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به
سلاح‌های هسته‌ای باشد.

۲-۳. قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت و نقش آن در منع دسترسی عوامل غیردولتی به
سلاح‌های کشتار جمعی

قطعنامه ۱۵۴۰ در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ در قالب راهکاری برای پیشگیری از دسترسی
عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی صادر شد. بر اساس این قطعنامه^۱ سه تعهد
اساسی ذیل بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است:

الف. عدم حمایت از فعالیت عوامل غیردولتی در زمینه توسعه، تحصیل، ساخت،
تصرف، حمل و نقل و انتقال یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و یا بیولوژیک و
سیستم‌های رهاسازی آن‌ها؛

ب. تصویب و اجرای قوانین مناسب و مؤثر برای منع عوامل غیردولتی در
زمینه‌های توسعه، تحصیل، ساخت، تصرف، حمل و نقل و انتقال یا استفاده از سلاح‌های
هسته‌ای، شیمیایی و یا بیولوژیک و سیستم‌های رهاسازی آن‌ها به‌ویژه برای اهداف
تروریستی و مشارکت در هر یک از اعمال مذکور به عنوان عامل اصلی، یاری‌رسان و یا
حامی مالی؛

ج. ایجاد نظام کنترل ملی به منظور منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و یا

1. Paragraphs 1, 2, and 3 of the UN Security Council Resolution 1540, 28 April 2004.

بیولوژیک و سیستم‌های رهاسازی آن‌ها.^۱

نهاد نظارت بر اجرای قطعنامه کمیته ۱۵۴۰ است که شامل کلیه اعضای شورای امنیت است. این کمیته بر اساس بند ۴ قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد به دنبال گسترش فعالیت‌های تروریستی از جمله حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و با هدف رویارویی جامعه جهانی با تهدید گسترش و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه از سوی گروه‌های تروریستی در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ میلادی شکل گرفت. این کمیته گزارش‌های دول عضو را در راستای اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ بررسی کرده و از طریق همکاری با دولت‌ها و مساعدت به آن‌ها زمینه هر چه بیشتر اجرای قطعنامه را فراهم می‌سازد. ویژگی‌های ذیل به قطعنامه ۱۵۴۰ در مقایسه با سایر اسناد بین‌المللی متمرکز بر منع و پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی، جایگاه خاصی می‌دهند:

الف. صدور آن به اتفاق آرا بر پایه فصل هفتم منشور؛

ب. شمول تعهدات دول عضو نسبت به همه سلاح‌های کشتار جمعی (سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و همچنین ابزار رهاسازی آن‌ها)؛

ج. نظارت و کنترل جامع بر انتقال مواد حساس از مبدأ تا مقصد؛

د. الزام دولت‌ها به قانون‌گذاری و جرم‌انگاری هرگونه مشارکت در توسعه سلاح‌های کشتار جمعی.

با وجود ویژگی‌های برجسته قطعنامه ۱۵۴۰، خلأها و نگرانی‌هایی در خصوص تحقق اهداف قطعنامه در راستای منع و پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی وجود دارند که اهم آن عبارت‌اند:

۱. این قطعنامه نشان می‌دهد که شورای امنیت علاوه بر نقش نظارتی در خصوص اجرای مفاد معاهدات منع سلاح‌های کشتار جمعی، نقش آن به عنوان ضمانت اجرایی برای منع سلاح‌های کشتار جمعی در قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد قابل توجه است. در واقع این نقش شورای امنیت، تکمیل‌کننده نقش نظارتی آن است. از آنجایی که تولید، توسعه، ذخیره‌سازی و یا به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌اندازد، شورای امنیت می‌تواند اقدام‌های اجرایی را در چارچوب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد بر ضد دولت یا دولت‌های متخلف اتخاذ کند.

الف. تداخل نقش قانون‌گذاری و اجرا و نظارت از سوی شورای امنیت: در قالب صدور قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت نشان داده است که تمایل دارد اختیارات جدید و گسترده‌ای را به طور هم‌زمان برای خود در حوزه قانون‌گذاری و اجرا و نظارت بر منع سلاح‌های کشتار جمعی تعریف کند. این قطعنامه این پرسش را مطرح می‌سازد که شورای امنیت در کنار وظیفه نظارتی و اجرایی تا چه حدودی دارای صلاحیت قانون‌گذاری است.^۱

ب. عدم تعیین نهاد نظارتی واجد توانایی‌های فنی: در این قطعنامه وظیفه نظارتی به خود شورای امنیت و آن هم در قالب کمیته تشکیل شده در چارچوب این قطعنامه (کمیته ۱۵۴۰) واگذار شده است. شورای امنیت از قابلیت‌های فنی لازم برای اهداف نظارتی برخوردار نیست. این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزینه مناسب‌تری برای انجام وظایف نظارتی در قالب قطعنامه ۱۵۴۰ بوده است.

ج. عدم تعریف استاندارد در حفاظت فیزیکی مؤثر: عدم ارائه چنین استانداردی موجب تفاسیر گوناگون شده و هر دولتی ممکن است در این زمینه قوانینی را تصویب و نظام‌های نظارتی را برقرار می‌سازد که با رویه‌های ملی آن سازگار باشد. به این صورت دولت‌ها ممکن است روش‌های ایمنی متفاوتی را در راستای اجرای قطعنامه به کار برند که موجب اجرای ناهمگون قطعنامه در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

د. فقدان ضمانت اجرای مطلوب در صورت خودداری دول عضو از ارائه گزارش: بر طبق قطعنامه ۱۵۴۰ دولت‌های عضو سازمان ملل متحد ملزم به ارائه گزارش در راستای اجرای این قطعنامه هستند. با این وجود، هنوز تعداد قابل توجهی از دولت‌ها نسبت به ارائه گزارش مورد نظر اقدام نکرده‌اند. این قطعنامه ضمانت اجرای مطلوبی را

۱. در همین راستا است که نماینده هندوستان بیان می‌دارد؛ شورای امنیت در چارچوب قطعنامه ۱۵۴۰ درصد برآمده است که هم نظام منع گسترش را تعریف و هم بر آن نظارت کند. Oosthuizen, Gabriel H. and

Elizabeth Wilmshurst, September 2004, pp.1-9, at 3.

در اجرای این گونه الزامات در بر ندارد و کمیته ۱۵۴۰ نقش خود را در راستای تسهیل اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ ایفا می‌کند.^۱

۲-۴. نقش طرح‌های ابتکاری در منع و پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به

سلاح‌های کشتار جمعی

آنچه تاکنون به توضیح آن پرداخته شد در قالب کنوانسیون‌ها یا اسناد بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و یا بازدارنده از دسترسی عوامل غیردولتی و به‌ویژه عوامل غیردولتی تروریستی به این سلاح‌ها بود. علاوه بر این، اسناد برخی توافق‌ها و طرح‌هایی در این خصوص تنظیم شده‌اند که در ذیل به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. هرچند این توافق‌ها و طرح‌ها در قالب اسناد حقوقی الزام‌آور پذیرفته نشده‌اند، اجرای این توافقات و طرح‌ها و توسعه دامنه اجرای آن‌ها می‌تواند در کاهش ریسک‌های دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی مؤثر باشند.

۲-۴-۱. کمیته زانگر^۲

کمیته زانگر طرح ابتکاری است که در راستای اجرای بند ۲ ماده ۳ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شکل گرفته است. در سال ۱۹۷۱ میلادی دولت‌های صادر کننده مواد هسته‌ای عضو NPT کمیته‌ای را به نام کمیته زانگر ایجاد کردند تا فهرستی از مواد با کاربرد دوگانه و تأسیساتی را تهیه کند که اجرای نظام پادمان نسبت به آن‌ها الزامی باشد و همچنین اصول راهنمایی را تدوین کند که بر صادرات این مواد به دولت‌های غیر عضو NPT حاکم باشد (Oosthuizen and Wilmshurst, 2004:5). این

۱. از موارد دیگر این نواقص می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف. تفاوت در ظرفیت و توان نهادینه و در موجودیت منابع در راستای همکاری بین دول عضو؛ ب. عدم هماهنگی و روزآمدی کامل به‌ویژه نظر به پیشرفت تکنولوژی و تهدیدات؛ ج. تکلیف‌سازی دولت‌ها و عدم تعریف تکالیف به طور خاص در زمینه جوامع مدنی و صنایع.

فهرست به طور دوره‌ای روزآمدسازی می‌شود.^۱ نقص عمده این طرح آن است که برخی از تأمین‌کنندگان مواد هسته‌ای همچون هندوستان، اسرائیل، کره شمالی و پاکستان در میان مشارکت‌کنندگان این طرح نیستند.^۲

۲-۴-۲. گروه استرالیا

این گروه در سال ۱۹۸۵ تشکیل شد که از ۴۱ دولت عضو کنوانسیون‌های منع سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی تشکیل شده است. هدف از تشکیل این گروه منع تبدیل عمدی یا ناخواسته مواد بیولوژیک و شیمیایی به سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی است، آن هم از طریق تبادل اطلاعات و هماهنگ‌سازی نظام‌های نظارت بر انتقال آن‌ها. این گروه فهرستی از کالاهایی را تهیه کرده که دول مشارکت‌کننده بایستی نسبت بدان‌ها کنترل‌های صادرات را در سطح ملی به اجرا گذارند. دول شرکت‌کننده متعهد شده‌اند که به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی به دولی که به دنبال سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی هستند مساعدت نکنند. در کنار محدود بودن دولت‌های عضو گروه استرالیا، چالش اصلی عدم مشارکت دول واجد سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی در این طرح است.

۲-۴-۳. نظام کنترل فناوری موشکی^۳

نظام کنترل فناوری موشکی در سال ۱۹۸۷ از سوی هفت کشور صنعتی با هدف محدودسازی گسترش و انتقال موشک‌های دارای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک و فناوری‌های مربوطه از جمله به تروریست‌ها شکل یافته است.

۱. این فهرست به The Trigger List موسوم است. برای آگاهی از چگونگی و ضرورت به‌روزرسانی این فهرست برای نمونه بنگرید به: Schmidt, 1994, pp.39-44, at 39-40.

۲. در حال حاضر ۳۹ کشور عضو کمیته زانگر هستند. برای آگاهی از این کشورها به سایت کمیته زانگر بنگرید: Zangger Committee

3. Missile Technology Control Regime (MTCR).

در قالب این نظام، سیاست کنترل مشترکی بر صادرات کالاهای استراتژیک مؤثر در ساخت موشک‌های مزبور (از جمله همه تجهیزات و فناوری کلیدی که برای توسعه، تولید و عملیات این موشک‌ها لازم هستند) اجرا می‌شود.^۱ از ضعف‌های عمده این نظام همچون سایر طرح‌ها، محدود بودن تعداد دولت‌های مشارکت‌کننده و به‌ویژه عدم عضویت برخی از دولت‌های مظنون به تولید سلاح‌های کشتار جمعی است.^۲

۲-۴-۴. طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای^۳ طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی پوتین و بوش در سن پترزبورگ روسیه ارائه شد.^۴ پایه حقوقی این سند را کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای و قطعنامه‌های ۱۳۷۳ و ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل می‌دهند. اهداف عمده این طرح عبارت‌اند از: الف. توسعه همکاری در مبارزه با تهدید تروریسم هسته‌ای؛ ب. تسریع در ارتقای ظرفیت‌های لازم برای تحقق این هدف.

این طرح بر پایه اصولی همچون اصل بهبود اقدامات داخلی برای مسئولیت‌پذیری و ایمن‌سازی مواد هسته‌ای و اصل تقویت امنیت فیزیکی در تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی استوار است. پنج دولت هسته‌ای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر دولت‌های هسته‌ای و نهادهای بین‌المللی همچون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،

۱. مکمل MTCR مجموعه قواعد و مقررات بین‌المللی اقدام بر ضد توسعه موشک‌های بالستیک (The International Code of Conduct Against Ballistic Missile Proliferation) است که به مجموعه قواعد و مقررات اقدام لاهه (The Hague Code of Conduct) نیز شناخته می‌شود.

۲. ۳۵ دولت عضو نظام کنترل فناوری موشکی هستند. در میان آن‌ها اثری از دولت‌های هسته‌ای چین، پاکستان و اسرائیل نیست. کره شمالی نیز به آن نپیوسته است. برای اطلاعات بیشتر راجع به نظام کنترل فناوری موشکی بنگرید به: Missile Technology Control Regime

3. Global Initiative to Combat Nuclear Terrorism

۴. تاکنون ۸۸ دولت به طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای پیوسته‌اند که از جمله هشت کشور هسته‌ای ایالات متحده آمریکا، فدراسیون روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا، هندوستان، پاکستان و اسرائیل را دربرمی‌گیرد. کره شمالی تاکنون به آن نپیوسته است. برای اطلاعات بیشتر راجع به طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای بنگرید به: Global Initiative to Combat Nuclear Terrorism (GICNT)

اتحادیه اروپا و پلیس بین‌الملل با این طرح همکاری دارند.^۱ این طرح در مقایسه با طرح‌های دیگر واجد جنبه‌های قوی‌تر سیاسی بوده و مبین اصول کلی همکاری در زمینه امنیت هسته‌ای و کمک به دولت‌هایی است که نیاز به گسترش ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود دارند. این طرح به این دولت‌ها کمک می‌کند تا فعالیت‌های جنایت‌کارانه تروریستی را در چارچوب دادوستد مواد هسته‌ای و دیگر مواد رادیواکتیو ممنوع کرده و مورد مجازات قرار دهند. موفقیت این طرح در تحقق اهدافش منوط به رفع چالش‌های ذیل است:

الف. نهاد نظارتی این طرح صرفاً نهاد مشورتی، فاقد صلاحیت‌ها و اقتدار حقوقی بوده به گونه‌ای که کمتر الزام‌کننده و بیشتر مشارکت‌طلبانه است؛

ب. با وجود مشارکت قابل توجه دولت‌های هسته‌ای، هنوز برخی از دولت‌های دارای مواد و تأسیسات هسته‌ای همچون هندوستان و کره شمالی به این طرح نپیوسته‌اند؛

ج. استاندارد حداقلی در زمینه حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای تعریف نشده و در نتیجه امکان ارزیابی عینی و هدف‌دار در خصوص آثار اجرای طرح

۱. نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اتحادیه اروپا و پلیس بین‌الملل در قالب ناظران رسمی در اجلاس‌های مربوط به طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای شرکت داشته و با این طرح همکاری می‌کنند. این همکاری‌های خطرات ناشی از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی را به مانند هسته‌ای با هدف تولید سلاح‌های هسته‌ای کاهش می‌دهد. در ذیل به نمونه‌هایی از اقدامات صورت گرفته از سوی این نهادها در راستای همکاری مزبور اشاره می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از طریق برنامه امنیت هسته‌ای (The IAEA Nuclear Security Program) نقش خود را در چارچوب این طرح ایفا می‌کند. پلیس بین‌الملل (INTERPOL) با همکاری دولت‌ها نیز نقش خود را در کشف و مبارزه با قاچاق و یا دادوستد غیرقانونی مواد هسته‌ای ایفا می‌کند. در این زمینه برای نمونه بنگرید به: Joint Statement on National Nuclear Detection Architectures, IAEA, 20 December 2016.

اتحادیه اروپا نیز از زمان شکل‌گیری EURATOM در سال ۱۹۵۷ میلادی نسبت به ایمنی هسته‌ای توجه داشته و در قالب طرح اقدام ۲۰۰۹ و طرح ۲۰۱۰ برقراری مراکز کاهش خطرات سلاح‌های کشتار جمعی و رادیواکتیو با طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای همکاری کرده است. برای آگاهی بیشتر در زمینه اقدامات نهادهای بین‌المللی در ارتباط با طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای و همکاری با این طرح بنگرید به:

Erasto, Tytti and Jonathan Herbach, 2016, pp.10-11 & 14

وجود ندارد؛

د. منابع مالی کافی جهت اجرای فعالیت‌ها در بعضی کشورها وجود ندارند؛
 و. دیدگاه‌های متفاوتی در میان دول مشارکت‌کننده در خصوص چگونگی اجرای طرح وجود دارند (برای نمونه برخی متمایل به کاهش ذخایر اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم نبودند).

۲-۴-۵. پروسه وایسبدن

به عنوان آخرین نمونه می‌توان به طرح موسوم به پروسه وایسبدن اشاره کرد.^۱ برای اولین بار کنفرانس جهانی در خصوص نقش صنایع در اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ در سال ۲۰۱۲ در وایسبدن آلمان برگزار شد. هدف از این کنفرانس آن بود که همکاری‌ها میان دول و صنایع جهت اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ به منظور پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی ترویج شده و گسترش یابند.^۲ بایستی توجه داشت که صنایع بخش مهم و شریک قابل ملاحظه‌ای برای دولت‌ها در مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتارجمعی و به‌ویژه در ممانعت از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به مواد مؤثر در تولید سلاح‌های کشتارجمعی، هستند.^۳ از نمونه نتایج عملی

۱. پروسه وایسبدن ایده‌ای بود که در سال ۲۰۱۲ از سوی دولت آلمان برای تقویت اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق همکاری‌های دولت‌ها و بخش صنایع مطرح شد. برای اطلاعات بیشتر راجع به پروسه وایسبدن بنگرید به:

Wiesbaden: Latest Current Affairs and News.

۲. این کنفرانس نخستین گام جدی در فرآیند مشارکت دادن بخش صنایع در تلاش‌های بین‌المللی برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتارجمعی و برقراری ارتباط صنایع با کمیته ۱۵۴۰ بوده است. First

Industry Conference on Security Council Resolution 1540.

۳. از سال ۲۰۱۶ میلادی دیدگاهی منطقی‌ای برای ایفای نقش صنایع در راستای اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ و جهت جلوگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتارجمعی توسعه یافته است. در همین چارچوب اولین کنفرانس منطقه‌ای در آسیا در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی جمهوری کره و اولین کنفرانس برای دولت‌های اتحادیه پاسیفیک و برزیل در سال ۲۰۱۷ میلادی در مکزیک برگزار شدند. همچنین کنفرانس موسوم به هندوستان-وایسبدن در چارچوب مشارکت دولت‌ها و صنایع در راستای اجرای مؤثر قطعنامه ۱۵۴۰ در تاریخ‌های ۱۶ و ۱۷ آوریل ۲۰۱۸ میلادی در دهلی‌نو برگزار شد. این کنفرانس از سوی هند با هماهنگی کمیته

کنفرانس‌های وایسبدن می‌توان به پذیرش اسناد ذیل در کنفرانس ۲۰۱۵ وایسبدن در آلمان اشاره کرد: الف. عناصر کلیدی مؤثر در رویه‌های انطباق‌پذیری صنایع^۱ (با قطعنامه ۱۵۴۰)؛ ب. عناصر کلیدی در همکاری مؤثر میان صنایع و دولت‌ها^۲ (در اجرای قطعنامه ۱۵۴۰)؛ ج. رویه‌ها و چالش‌های شناسایی شده از سوی صنایع و جامعه دانشگاهی در زمینه کنترل‌های راهبردی تجاری^۳.

۳. چالش‌های عمده فراروی مقابله با دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های

کشتار جمعی

عمده‌ترین چالش‌های فراروی نظارت بر منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی با عنایت به خلأهای بررسی شده در اسناد بین‌المللی و استنتاج از وضعیت جهانی موجود را می‌توان مشتمل بر موارد نه‌گانه ذیل در نظر گرفت:

۳-۱. فقدان جهان‌شمولی تعهدات خلع سلاح‌های کشتار جمعی

عدم الحاق جامعه جهانی به معاهدات بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار جمعی و عضویت در نهادهای نظارتی آن‌ها و نیز عدم اعمال جامع اجرای ملی تعهدات، آرمان خلع سلاح‌های کشتار جمعی متأثر را متأثر ساخته است. خلع سلاح‌های کشتار جمعی جز در صورت عزم فراگیر جهانی و همکاری مشترک بین دولت‌های دارنده و غیردارنده این‌گونه سلاح‌ها ممکن نخواهد بود. تاکنون هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی منع

۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان‌دهی شد و از سوی دفتر سازمان ملل متحد برای امور خلع سلاح و دولت آلمان حمایت شد. هدف از آن زمینه‌سازی تعامل میان دولت‌ها و صنایع در اجرای قطعنامه ۱۵۴۰ در شبه قاره هند بوده است.

1. Key elements of effective industry compliance practices (ICP Programmes) to be used by companies.
2. Key elements for effective cooperation with and outreach to industry by Governments.
3. "New trends and challenges in the area of strategic trade controls identified by academia and industry.

۴. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: The UN Security Document: S/2016/247, 17 March 2016.

سلاح‌های کشتار جمعی، جهان‌شمولی را به طور کامل به دست نیاورده‌اند. اگرچه الحاق جهانی به این اسناد روندی رو به رشد داشته است، خروج از آن معاهدات نیز بدون مصداق نمانده است. این موارد بر تحقق اهداف نهادهای نظارتی منع سلاح‌های کشتار جمعی تأثیرگذار است.

رالف ترپ^۱، مشاور خلع سلاح بین‌المللی^۲ به عنوان سخنران سوم در اجلاس ویژه نهم کنفرانس اتحادیه اروپا در زمینه عدم گسترش تسلیحات و خلع سلاح^۳ در سال ۲۰۱۶ میلادی با موضوع پیشرفت و چالش‌های خلع سلاح شیمیایی عنوان می‌کند: «کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی تقریباً جهان‌شمول است لکن برخی خلأهای موجود در آن به لحاظ عملیاتی حائز اهمیت است». این مسئله که تعداد اندکی از دولت‌ها خارج از کنوانسیون هستند اجرای نظام موجود و هنجارسازی عملیاتی تعهدات کنوانسیون را دچار اختلال کرده است؛ به‌ویژه آنکه این باور وجود دارد که این اندک دولت‌های غیرعضو به خاطر داشتن برنامه‌های سلاح‌های شیمیایی به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی نپیوسته‌اند.

تحقق محو ذخایر موجود سلاح‌های کشتار جمعی تعبیر دیگری از جهان‌شمولی است که حتی در مورد سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون مربوطه (که در مقایسه با سایر سلاح‌های کشتار جمعی و نظام‌های آن‌ها در پیشبرد اهداف موفق‌تر بوده است) دست نیافته مانده است.

کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های بیولوژیک و انهدام آن‌ها مصوب ۱۹۷۲ با دارا بودن ۱۸۰ عضو تاکنون عضویت جهانی کمتری را نسبت به دو دیگر کنوانسیون بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار جمعی داشته است. از دیدگاه مارک فیناد^۴ مشاور ویژه دبیر کل مرکز سیاست‌گذاری امنیتی در ژنو^۱ دو دسته از

1. Ralf Trapp

2. International Disarmament Consultant

3. The 9th European Conference on Non-Proliferation of Weapons and Disarmament – 2016.

4. Marc Finaud

عوامل در عدم جهان‌شمولی این کنوانسیون نقش داشته است: الف. عواملی که برگرفته از انگیزه‌ای سیاسی خاصی نیست. برای نمونه عواملی همچون عدم دسترسی به اطلاعات کافی یا منابع لازم جهت الحاق به کنوانسیون و یا اینکه این‌گونه دولت‌ها تصور می‌کنند که مفاد کنوانسیون ارتباط مستقیمی با آن‌ها ندارد؛ ب. عواملی که برگرفته از انگیزه‌ای سیاسی هستند مانند ملاحظاتی که برخی دولت‌ها از قبیل کره شمالی یا مصر مبتنی بر تعارضات منطقه‌ای ابراز می‌کنند (Finaud, Mark, 3-4 December 2011, pp.1-11, at 1).

عدم الحاق جهانی به تضمین‌های پادمانی و پروتکل الحاقی^۲ بر عدم جهان‌شمولی نظام نظارتی منع سلاح‌های هسته‌ای تأثیرگذار بوده است. انعقاد ۱۷۴ موافقت‌نامه پادمان میان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت‌های عضو آژانس و الحاق ۱۳۲ دولت به پروتکل الحاقی از مجموع ۱۹۱ دولت‌های عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مؤید این مطلب است.

۲-۳. ناهمگونی استانداردهای ایمن‌سازی مواد حساس

عدم وجود استاندارد حداقلی الزام‌آور جامع بین‌المللی در زمینه امنیت و حفاظت فیزیکی و تفاوت در دیدگاه‌های دولت‌های عضو اسناد بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار جمعی و عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی حفاظتی در زمینه این حداقل استاندارد موجب پیچیدگی فرآیند نظارت و چالش‌افزایی نهادهای نظارتی شده است. در حالی که یک کنوانسیون مستقلی برای حمایت از مواد هسته‌ای وجود دارد چنین کنوانسیون‌هایی به طور مستقل برای حمایت فیزیکی از مواد بیولوژیک و شیمیایی وجود ندارد.

۳-۳. پیچیدگی پیش‌بینی و سنجش تهدیدات تروریستی

یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در ارزیابی پیشرفت حاصله در خلع و منع

1. Special Advisor to the Director, Geneva Centre for Security Policy (GCSP).
2. Safeguards Agreement and Its Additional Protocol.

گسترش سلاح‌های کشتار جمعی همان پیچیدگی پیش‌بینی و سنجش تهدیدات ناشی از عوامل تروریستی است. گسترش عوامل تروریستی جدید به موازات عدم امکان ارزیابی دقیق قابلیت‌ها، انگیزه‌ها و اهداف آن‌ها خود چالش دیگری را موجب شده است.

۳-۴. ناکافی بودن حفاظت و نظارت بر زرادخانه‌های موجود

زرادخانه‌های موجود در دولت‌های دارنده سلاح‌های کشتار جمعی آشکارترین طریقه دستیابی عوامل غیردولتی به سلاح‌ها است این در حالی است که تصور بر این است که حفاظت جدی در مورد آن‌ها وجود دارد. اعمال تدابیر حفاظتی مستلزم کارکردهای داخلی مهمی از قبیل اجرای قوانین مربوط به حفاظت از مواد هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی و دسترسی به اطلاعات مربوط به این مواد است. کشورها اصولاً تمایلی به نظارت قدرت خارجی بر نحوه اجرای قوانین ملی خویش و شیوه حفاظتی خود از این مواد حساس را ندارند. البته از دیرباز نحوه اجرا یا عدم اجرای مسئولیت دولت‌ها در حفاظت از تأسیسات و مواد هسته‌ای برای سایر دولت‌ها نیز دارای اهمیت بوده است، زیرا ممکن است مواد حساس یا سلاح‌های کشتار جمعی سرقت شده جهت فعالیت‌های تروریستی در کشور دیگری به کار گرفته شود یا دست‌کاری تأسیسات هسته‌ای در یک کشور ممکن است منجر به تأثیرات فرامرزی در قلمرو سایر دول شود (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲).

۳-۵. مسئله تأمین مالی تروریسم

اکتساب سلاح‌های کشتار جمعی مستلزم صرف مبالغ هنگفتی است که عوامل غیردولتی فاقد منابع مالی کافی را برای تأمین مالی به سوی دولت‌ها سوق می‌دهد. کنوانسیون منع تأمین مالی تروریسم مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد دولت‌ها را از حمایت مالی تروریست‌ها منع کرده و به این ترتیب می‌تواند راهبرد نسبتاً مطلوبی در حل چالش مزبور باشد. در همین راستا شورای امنیت طی قطعنامه‌هایی از دولت‌ها

می‌خواهد تا به کنوانسیون منع تأمین مالی تروریسم بپیوندند.^۱

۳-۶. محدودیت‌های نظارت و ارزیابی دولت‌ها در راستای ایفای تعهدات آن‌ها

در برخی موارد ممکن است مقام‌های امنیتی و نظامی آسیب‌های وارده به تأسیسات هسته‌ای و دیگر تأسیسات سلاح‌های کشتارجمعی را زیاد جدی نگیرند و همه دولت‌ها این‌گونه آسیب‌ها را گزارش دهند.^۲ در نبود این اطلاعات انجام ارزیابی دولت‌ها در راستای انجام تعهداتشان ممکن نخواهد بود. راهبرد اساسی در این خصوص بازنگری در فرم‌های اظهارنامه‌ها و گزارش دهی و استقرار نظام‌های جدید مناطق عاری از سلاح‌های کشتارجمعی و نهادهای نظارتی منطقه‌ای است.

۳-۷. نقصان منابع مالی تأمین حفاظت در برخی دولت‌ها

بان کی مون دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد در اوت ۲۰۱۶ در نشست دفتر سازمان ملل متحد در امور خلع سلاح‌های کشتارجمعی با عنوان چالش‌ها و راهبردها چنین اظهار می‌کند: «فاصله رو به رشدی در خصوص ظرفیت و توانایی دولت‌ها وجود

۱. نمونه‌هایی از این قطعنامه‌ها عبارت‌اند از قطعنامه‌های شماره ۱۲۶۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۲۲۵۳ شورای امنیت. این قطعنامه‌ها دولت‌ها را متعهد می‌کند تا به کنوانسیون بین‌المللی منع تأمین مالی تروریسم بپیوندند.

۲. نمونه بارز آن حادثه نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق است که وقوع آن مدت‌ها کتمان شده بود تا اینکه اندازه‌گیری‌های تشعشعات هسته‌ای در کشورهای همسایه حاکی از وقوع یک حادثه هسته‌ای در قلمرو شوروی سابق بوده است. پیرو این حادثه بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «کنوانسیون اطلاع‌رسانی فوری در زمینه وقوع یک حادثه هسته‌ای» «The Convention on Early Notification of a Nuclear Accident» را در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ میلادی مورد پذیرش قرارداد. در ضمن تا ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۸ تعداد ۱۲۲ دولت، عضو این کنوانسیون بودند و تعداد قابل توجهی از دولت‌های جهان هنوز عضو آن نیستند. قابل ذکر است که نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل برای اهداف صلح‌آمیز مورد استفاده قرار می‌گرفت، با این وجود شوروی سابق به نظر می‌رسد برای پیشگیری از ورود آسیب به اعتبار علمی و بین‌المللی خود تمایلی به افشای آن نداشته است. چنین وضعیتی نشان می‌دهد که در خصوص تأسیسات سلاح‌های کشتارجمعی این محافظه‌کاری بیشتر باشد.

دارد به‌ویژه در خصوص دولت‌های در حال توسعه که نیازمند منابع مالی و تخصصی سازمان ملل متحد به منظور تقویت مشارکت خود با دیگر دولت‌ها و نیز سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه آفریقا و سازمان دولت‌های آمریکایی هستند».

همچنین رالف ترپ در خلال گزارش مربوط به بررسی کارکرد سازمان منع سلاح‌های شیمیایی در سوریه در سال ۲۰۱۵ چنین نتیجه می‌گیرد؛ «با توجه به اهمیت عنصر انسانی هنوز هم نیاز به بهبود بیشتر مدیریت منابع انسانی در دبیرخانه سازمان منع سلاح‌های شیمیایی وجود دارد تا برای موقعیت‌هایی به پیچیدگی مأموریت سوریه آماده باشند».

۳-۸. عدم وجود قواعد الزام‌آور مؤثر بر دانشمندان و صنایع

عدم هماهنگی صنایع و دانشمندان با دولت‌ها در زمینه اعمال محدودیت‌های حفاظتی از مواد حساس به‌ویژه مواد قابل کاربری دوگانه می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. امروزه اثربخشی صنایع و جوامع مدنی و دانشمندان علوم شیمیایی بیولوژیک و هسته‌ای در محدودسازی قابلیت‌های دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی انکارناپذیر است. پروسه وایسیدن ابتکاری جهانی است که از سال ۲۰۱۲ با هدف همکاری میان دولت‌ها و صنایع در پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی صورت گرفته است. در همین راستا قطعنامه ۲۳۲۵ مورخ ۲۰۱۶ میلادی شورای امنیت کمیته ۱۵۴۰ را به بهره‌گیری از دانش و تخصص جامعه مدنی و بخش خصوصی تشویق کرد.

۳-۹. نبود یا کثرت نهادهای نظارتی

در حالی که نهادهای نظارتی متنوعی برای منع سلاح‌های هسته‌ای وجود دارند، هنوز نهاد نظارتی ویژه‌ای برای منع سلاح‌های بیولوژیک شکل نگرفته است. به این ترتیب یکی از مسائل حل‌نشده در این زمینه، آن است که باید اطمینان حاصل شود همه

دولت‌های عضو کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک مطابق با این کنوانسیون عمل کنند. در خصوص نهادهای نظارتی موجود ضرورت دارد تا این نهادها هماهنگی‌های لازم را با برگزاری نشست‌های مشترک و برقراری نظام گزارش دهی برقرار سازند.

۴. پذیرش کنوانسیون بین‌المللی جامع: راهبردی مؤثر در پیشگیری از دسترسی

عوامل غیردولتی تروریست به سلاح‌های کشتار جمعی

با نظر به آنچه در این مقاله ارائه شد، روشن می‌شود که مهم‌ترین چالش موجود در مسیر منع کامل و مؤثر در دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی، نبود یک سند حقوقی بین‌المللی جامع الزام‌آور برای این هدف است. اگرچه اسناد بین‌المللی وجود دارند که در راستای این هدف پذیرفته شده‌اند، این اسناد یا جامعیت نداشته و یا از الزام حقوقی در قالب یک معاهده بین‌المللی برخوردار نبوده‌اند.^۱ بر این اساس ضرورت دارد که یک کنوانسیون جامعی تحت عنوان «کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی»^۲ پذیرفته شود و تمامی الزامات موجود در اسناد پذیرفته شده را در ارتباط با تمامی سلاح‌های کشتار جمعی (سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی) در برگیرد. در همین چارچوب چنین کنوانسیونی از جمله بایستی موارد ذیل را پوشش دهد:

الف. تعهدات دولت‌ها و بخش‌های ذی‌ربط و از جمله بخش صنایع هسته‌ای و رادیواکتیو، بیولوژیک و شیمیایی را به طور روشن و کامل تعریف کند؛

۱. برای نمونه کنوانسیون ۱۹۸۰ راجع به حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای محدود به مواد هسته‌ای است و مواد بیولوژیک و مواد شیمیایی را در برنمی‌گیرد. در ضمن اگرچه قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد با هدف منع دسترسی عوامل غیردولتی به سلاح‌های کشتار جمعی پذیرفته شده است، مفاد آن هنوز تبدیل به یک معاهده بین‌المللی نشده است.

2. "International Convention on the Prevention of Terrorist Non-State Actors From Acquiring Weapons of Mass Destruction."

چنین کنوانسیونی باید تعریفی جامع را از عوامل غیردولتی تروریستی که مخاطب اصلی آن را تشکیل می‌دهند، ارائه دهد.

ب. بر وضع قوانین و مقررات ملی و اجرای آن‌ها در جهت دستیابی به اهداف کنوانسیون تأکید کند؛

ج. هرگونه تخلفی را در چارچوب کنوانسیون جرم‌انگاری کند؛

د. نهادهای نظارتی ملی و بین‌المللی را در جهت اجرای کامل کنوانسیون پیش‌بینی کند؛

ه. نظام مؤثری را برای کنترل واردات و صادرات مواد هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی برقرار کند؛

و. اقدامات حفاظتی مؤثری را برای حفاظت از مواد و تأسیسات مواد هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی در نظر گیرد؛

ز. مانعی را برای استفاده‌های صلح‌آمیز از مواد هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی ایجاد نکند؛

ح. راهکارهایی را برای ارائه مساعدت‌های مالی، فنی و کارشناسی به دولت‌های نیازمند در راستای اجرایی کردن مفاد کنوانسیون در قلمرو این دولت‌ها پیش‌بینی کرده باشد؛

ط. در راستای پیشرفت‌ها در زمینه دانش و فناوری هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی انعطاف‌پذیر و پاسخگو باشد؛

ی. از ضمانت اجراهای قوی برای تضمین اجرای مفاد کنوانسیون برخوردار باشد؛

ک. بر الزام دولت‌ها به خلع تسلیحات کشتار جمعی و دستیابی به جهانی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کند.

در صورت پذیرش چنین کنوانسیون جامعی و اجرای کامل آن از سوی همه دولت‌های جهان می‌توان به تضمین‌هایی دست‌یافت که عوامل غیردولتی تروریستی هرگز به تسلیحات کشتار جمعی دسترسی نخواهند داشت و آنگاه جامعه جهانی می‌تواند بر ریشه‌کنی تروریسم و فعالیت‌های تروریستی در جهان متمرکز شود.

نتیجه‌گیری

حضور عوامل غیردولتی تروریستی در دهه‌های اخیر موجب بروز نگرانی‌های امنیتی جدی برای جامعه بین‌المللی شده است؛ به‌ویژه یکی از تهدیدات جدی که عوامل غیردولتی تروریستی برای امنیت جهانی ایجاد کرده‌اند، امکان دسترسی آن‌ها به سلاح‌های کشتارجمعی است. بر همین اساس جامعه بین‌المللی تلاش کرده است که از همه ابزارهای ممکن و به‌ویژه ابزارهای حقوقی برای مقابله با این تهدیدها و پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتارجمعی استفاده کند. هرچند اسناد عام بین‌المللی در زمینه منع سلاح‌های کشتارجمعی وجود دارند، این اسناد برای رفع کامل تهدیدات عوامل غیردولتی ناشی از دسترسی آن‌ها به سلاح‌های کشتارجمعی کافی نیستند. بدون تردید اگر عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتارجمعی دست پیدا کنند، این عوامل برای حصول به اهداف تروریستی خود از این سلاح‌ها استفاده خواهند کرد. هرچند محو کامل سلاح‌های کشتارجمعی تنها راه رفع کامل این تهدیدات است تا رسیدن به جهانی عاری از سلاح‌های کشتارجمعی راه طولانی در پیش است. به‌واسطه چنین حقیقتی است که تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت نظام موجود برای برخورد با این تهدیدات صورت گرفته و تعهدات بین‌المللی جدیدی برای دولت‌ها در راستای منع دسترسی عوامل غیردولتی، به‌ویژه عوامل غیردولتی تروریستی، به سلاح‌های کشتارجمعی تعریف شده‌اند. به هر حال آنچه مانع تحقق کامل این مهم شده است، چالش‌های فراروی نهادهای نظارتی موجود و در برخی موارد عدم وجود نهاد نظارتی مؤثری در این راستا است. بر این اساس همان‌گونه که در بخش پایانی این مقاله پیشنهاد شد ضرورت دارد که در کنار رفع چالش‌های تصریح شده در این مقاله، به طور خاص یک «کنوانسیون بین‌المللی برای پیشگیری از دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتارجمعی» تدوین شده و در این راستا تعهدات جمعی برای دولت‌های عضو تعریف شوند. یکی از الزامات پذیرش چنین کنوانسیونی برقراری یک نهاد نظارتی در راستای اجرای کامل این کنوانسیون است. بدیهی است برای دستیابی

به جهانی عاری از خطر دسترسی عوامل غیردولتی تروریستی به سلاح‌های کشتارجمعی، عضویت در این کنوانسیون باید جهانی بوده همه دولت‌ها ملزم به پیوستن به آن‌ها باشد. تا حصول چنین اهدافی راهبردهای ذیل می‌توانند در رفع تهدیدات عوامل غیردولتی تروریستی در دسترسی به سلاح‌های کشتارجمعی مؤثر باشند:

الف. نقش‌آفرینی ارکان سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای امنیت در تحقق کامل جهان‌شمولی تعهدات مندرج در اسناد بین‌المللی منع سلاح‌های کشتارجمعی؛
 ب. شکل‌گیری و توسعه نظام‌های منطقه‌ای منع سلاح‌های کشتارجمعی؛
 ج. تقویت نهادهای نظارتی موجود و رفع خلأهای نهادهای نظارتی؛
 د. هماهنگ‌سازی مقررات ملی در راستای تعهدات مندرج در اسناد بین‌المللی منع سلاح‌های کشتارجمعی؛

ه. حفاظت لازم از مواد حساس و ذخایر موجود در زرادخانه‌ها؛
 و. کاهش تسلیحات کشتارجمعی موجود و محو کامل ذخایر موجود در زرادخانه‌ها.

منابع

الف. فارسی

جوینر، کریستوفر سی. (۱۳۸۷) «مقابله با تروریسم هسته‌ای یک پاسخ معاهداتی»، ترجمه محمدرضا مهماندار، **مجله حقوقی**، شماره ۳۸، صص ۳۱۸-۲۸۵.
 رستمی، فرزاد (۱۳۹۵) «تروریسم هسته‌ای و آینده امنیت بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس**، دوره ششم، شماره ۲۶، تابستان، صص ۹۶-۶۶.

۱. امروزه مجموعه‌ای از رویه‌های بین‌المللی به‌ویژه در اواخر قرن بیستم به بعد وجود دارد که اصل ارادی بودن پذیرش معاهدات را تحت تأثیر قرار داده است. الزام عراق به پذیرفتن کنوانسیون ۱۹۷۲ منع سلاح‌های بیولوژیک مطابق قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت در سال ۱۹۹۱ و الزام جمهوری اسلامی ایران به امضا و تصویب بدون قید و شرط پروتکل الحاقی ۱۹۹۱ به نظام پادمان معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به موجب قطعنامه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مؤید این تغییر گرایش‌های بین‌المللی است. بنگرید

به: Implementation of the NPT Safeguards Agreement, 2003.

سرمست، بهرام (۱۳۸۸) «بازیگران، جنگ‌افزارها و سرچشمه‌های جدید تهدیدات امنیتی بین‌المللی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هشتم، صص ۲۳۳-۱۹۳. طلابی، فرهاد و فرزانه پور سعید (۱۳۸۶) «بررسی تحلیلی کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و نقاط قوت و ضعف آن»، همایش حقوقی منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی، دانشگاه شهید بهشتی.

طلابی، فرهاد (۱۳۹۴) **حقوق سازمان‌های بین‌المللی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل.

علیزاده، اکبر و دیگران (۱۳۹۲) «تروریسم هسته‌ای و راهکارهای مقابله با آن از منظر حقوق بین‌الملل»، **مطالعات بین‌المللی پلیس**، شماره ۱، دوره چهارم، صص ۹۵-۷۴.

ولی‌زاده، علی (۱۳۹۰) «بررسی و تحلیل راه‌های تقویت کنوانسیون بیولوژیک»، **مجله سیاست دفاعی**، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۲۱۴-۱۹۳.

- گزیده‌ای از اسناد

معاهده ۱۹۸۶ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT).
کنوانسیون ۱۹۷۲ منع توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های باکتریولوژیک و نابودی آنها.

کنوانسیون ۱۹۸۰ حمایت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای.
کنوانسیون ۱۹۹۳ منع توسعه، تولید، ذخیره‌سازی و نابودی سلاح‌های شیمیایی.
کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۵ مقابله با تروریسم هسته‌ای.
معاهده ۲۰۱۷ منع سلاح‌های هسته‌ای.

ب. انگلیسی

Asal, Victor, et al. ed. (2005) "Non State Actors, Terrorism and Weapons of Mass Destruction" (The Forum), **International Studies Review**, Vol. 7, No. 1, pp.133-170.

- Ballesteros, Miguel Angel (2016) General Director, Spanish Institute for Strategic Studies, Presentation, “Non-State Actors and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction Resolution 1540: A Spanish Contribution, Spanish Institute for Strategic Studies, Spanish Ministry of Defence”.
- Bretislav Friedrich & et al (2017) One Hundred Years of Chemical Warfare: Research, Deployment, Consequences, Institute of Max Planck Society, pp.363-375.
- Caves, John P.Jr and Seth Carus (2014) The Future of Weapons of Mass Destruction: Their Nature and Role in 2030, Centre for the Study of Weapons of Mass Destruction, Occasional Paper, No.10.
- Erasto, Tytti and Jonathan Herbach (2016) Ten Years of The Global Initiative to Combat Nuclear Terrorism (GICNT): Strengths, Challenges, and the Way Forward, The Centre for Conflict and Security Law, Kustantaja: SaferGlobe.
- Ewiss, Nada (2016) Non-state actors & WMD: Does ISIS have a pathway to a nuclear weapon? Basic, pp.1-8.
- Finaud, Mark (2011) “Promoting Universality of the Chemical and Biological Weapons Conventions in the Middle East”, Paper presented at the 3rd Workshop on the Pugwash Study Group on the Implementation of the Chemical and Biological Weapons Conventions: “Achieving Realistic Decisions at the Seventh BWC Review Conference” Geneva, 3-4 December 2011, pp.1-11.
- Hofmann, Claudia and Ulrich Schneckene (2011) “Engaging non-state armed actors in state-and peace-building: options and strategies”, International Review of Red Cross, Vol.93, NO. 883, pp.1-11.
- Johnson, Barbara (2006) “A Code of Conduct for Biological Scientists: An Important Topic for Action”, **Policy News, Applied Biosafety**, 11(1), pp. 45-47.
- Marchesi, Román Oyarzun, Chair of the 1540 Committee. (2015-2016) and Ambassador, Permanent Representative of Spain to the United Nations, Prologue, Non-State Actors and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction Resolution 1540: A Spanish Contribution, Spanish Institute for Strategic Studies, Spanish Ministry of Defence, 2016.
- Oosthuizen, Gabriel H. and Elizabeth Wilmschurst,(2004), Terrorism and Weapons of Mass Destruction: United Nations Security Council Resolution1540, Briefing Paper, Chatham House,

- International Law Program BP 04/01, pp.1-9.
- Sokova, Elina K. (2017) Non-State Actors and Nuclear Weapons, in Understanding Nuclear Weapon Risks, Edited by John Borrie *et al*, Chapter 8, United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR), pp.83-90.
- Steinhausler, Friedrich (2009) “Legal Instruments to Prevent Nuclear WMD Use by Non-State Actors”, **Strategic Insight**, Vol. 8, Issue 1, pp.1-6.
- Strack, Columb (2001) “The Evolution of the Islamic State’s Chemical Weapons Efforts, CTC Sentimental”, Combating Terrorism Centre At West Point, Vol.10, Issue 9, pp.19-23.
- Stewart, Ian J. and Daniel Salisbury (2016) "Non-State Actors as Proliferators, Preventing their Involvement", **Journal of Society for Terrorism Research**, Vol.2, Issue 3, pp.5-26.
- Trapp, Ralf (2017) “The Use of Chemical Weapons in Syria: Implications and Consequences”, in One Hundred Years of Chemical Warfare: Research, Deployment, Consequences.

- منابع اینترنتی

- Gousi, Christina (2017) Preventing non-state actors from gaining access to weapons of mass, Deutsche Schule Athen Model United Nations, <https://www.dsamun.gr/preparation/234-disarmament-and-international-security-committee-preventing-non-state-actors-from-gaining-access-to-weapons-of-mass-destruction/file>, pp. 1-17.
- Fourth Industrial Revolution, <https://www.weforum.org/focus/fourth-industrial-revolution>, pp.1-4.
- India - Wiesbaden conference calls for enhanced cooperation with industry in combating proliferation of WMD, 23 April 2018, <https://www.un.org/disarmament/update/india-wiesbaden-conference-calls-for-enhanced-cooperation-with-industry-in-combating-proliferation-of-wmd/>, pp.1-7.
- Ki-moon, Ban (2016) Remarks to Security Council open debate on the Non-Proliferation of Weapons of Mass Destruction, 23 August, <https://www.un.org/sg/en/content/sg/speeches/2016-08-23>, pp.1-3.

- اسناد انگلیسی

- Code of Conduct for Biological Scientists
- Convention on the Physical Protection of Nuclear Material (CPPNM), 3 March 1980*
- Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on Their Destruction, 13 January 1993
- Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological Weapons and on Their Destruction, 10 April 1972
- Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, IAEA Board of Governors Resolution, GOV/2003/69, 12 September 2003.
- International Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism, New York, 13 April 2005
- Roman Oyarzun Marchesi (Chair of the 1540 Committee (2015-2016) and Ambassador, Permanent Representative of Spain to the United Nation, Non-State Actors and the Proliferation of Weapons of Mass Destruction Resolution of 1540: A Spanish Contribution, Spanish Institute for Strategic Studies, Spanish Ministry of Defence, 2016, p.12.
- The Physical Protection of Nuclear Material, INFCIRC/225, International Vienna, Energy Agency, September 1975.
- Signature/ratification status of the Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons, <http://www.icanw.org/status-of-the-treaty-on-the-prohibition-of-nuclear-weapons/>, pp.1-13.
- Treaty on the Non-proliferation on Nuclear Weapons (NPT), 1 July 1968.